

بقلم : آقای م. اورنگ

دنباله گفتار پیش

نگاهی به ترجمه های اوستا

سماو - جهان

در نخستین گفتار خود یاد آور شدم که همه سخنان اوستا بر پایه خرد و دانش استوار میباشد. یعنی هر چه میگوید با سنجش خرد و دانش سازش دارد. چیزی نمیگوید که دور از پذیرفتن این دونیرو باشد. چیزی نمیگوید که مردم نتوانند آنرا دریابند و یادرباور کردندش دو چار دودلی و سرگردانی باشند زیرا این گفته ها همه برای جهان خاکی و مردم آنست.

سخن رسا و شیوا آن است که در خور خرد و اندیشه مردم باشد یعنی مردم بتوانند آنرا دریابند و باسانی بپذیرند و برابر آن رفتار کنند. اگر جز این باشد سود ندارد و بکار مردم نمیخورد. خوشبختانه همه گفته های کتاب کهنسال اوستا که راهنمای نیاگان ارجمند ما بوده دارای همین رسائی و شیوائی و برتری است چه که سرتاسر آن برای آبادی جهان و خوشبختی جهانیان است و رویهم رفته دارای دستور های ساده و سودبخش و خرد پذیر میباشد ولی افسوس که بسیاری از گفته های آن در ترجمه های اوستا رنگ و روی دیگری بخود گرفته و به پیکره افسانه های شگفت آمیز در آمده و گاهی هم به گاوپرستی یا بت پرستی نزدیک شده است. همانگونه که در نخستین گفتار خود روشن ساختم این آلودگیها و لغزشها که بپایه بلند کتاب دیرین ما گزند رسانده از نوشته های پهلوی سرچشمه گرفته است. سزاوار این است از این پس اوستا شناسان ارجمند با بیداری و هشیاری به ترجمه و گزارش اوستا دست بزنند و اینگونه پندارهای نادرست و سرگردان کننده را از آن دور کنند و ترجمه اوستارا با سنجش خرد و دانش سازش دهند.

پس از این پیش گفت کوتاه اینک برای نمونه از يك واژه اوستائی گفتگو میکنیم و در باره آن به بررسی میپردازیم و داوری را نیز بخود خوانندگان گرامی واگذار میکنیم.

دراوستا واژه ایست به پیکر گئو gao که بمعنی جهان و میهن و جاندار میباشد. این واژه را بمعنی گاوهم گرفته اند ولی من این رأی را نمی پذیرم زیرا دراوستا برای این جاندار واژه (گاو) و gava بکاررفته است.

واژه گئو برابر دستور اوستائی در برخی جاها به پیکر (گانم ganm) میآید که همان معنی هارا میدهد. این واژه دراوستا بیشتر با واژه (اشا asha) و (اشی ashi) و دیگر واژه‌هایی که از این ریشه‌ها میآیند و بمعنی راستی و درستی و پاکی و پارسائی میباشد دریکجا آمده و هر دو با هم معنی جهان و راستی را میدهد. چنانکه در تیکه (۱) از هات (۳۷) یسنا (= فصل ۳۷ یسنا) این دو واژه با واژه‌هایی که بمعنی آبها و گیاهها و روشنائی و زمین است دریکجا یاد شده است. ترجمه تیکه (۱) هات (۳۷) بدینگونه است:

« اهورا مزدا رامی ستائیم که جهان و راستی آفرید. آبها و گیاهها و روشنائی و زمین و همه چیزهای خوب آفرید. چنانکه می بینیم این ترجمه که نمودار آفریده های زیبا و سودمند خدا میباشد بسیار خوب و دلنشین است ولی اگر واژه‌ئی را که به جهان ترجمه کرده ایم به (گاو) بر گردانیم و بگوئیم: « اهورا مزدا را می ستائیم که گاو و راستی بیافرید »

خواهیم دید که بسیار ناجور و نارسا و ناپسند است زیرا دور از شیوائی گفتار است که گاو را با راستی و درستی یا پاکی و پارسائی بستگی بدهد و اهورا مزدا را بنام آفریننده گاو و راستی بستاید: ولی افسوس که ترجمه کنندگان اوستا با پیروی از نوشته‌های پهلوی در اینجور جاها همان معنی گاورا بر گزیده و در باره پایه بلند این جاندار، افسانه‌های شگفت آمیز از کتابهای پهلوی یاد کرده اند.

اینک بخشی از نوشته های کتاب پهلوی بندهش **Bondehesb** را که در ترجمه های اوستا یاد شده است برای آگاهی خوانندگان گرامی در اینجا مینویسیم:

« بگفته بندهش نخستین چیزیکه اهورا مزدا در میان آفریدگان جاندار بیافرید گاو (ورزاو) بوده است. اهریمن از برای تباہ نمودن این جانور سودمند یوهای آزونیز و آزار و ناخوشی و گرسنگی را بر آن گماشت که گاو را نابود کنند.

هنگامی که گاو جان سپرد از هر یک از اندامش پنجاه و پنج (۵۵) جور از دانهها (حبوبات) و دوازده (۱۲) جور از گیاههای درمان بخش پدید آمد. تخمۀ (نطفۀ) گاو جانسپار بکرۀ ماه رفت و در آنجا پاك شد و پالایش یافت و از آن يك جفت گاونر و ماده پدید گشت که مایۀ پدید آمدن ۲۷۲ جور چارپایان سودمند شدند اما روان گاو جانسپار از کالبد گاو بدرآمده در برابر او ایستاد و بایک آواز بسیار بلندی که گوئیا از گلوی هزار مرد برخاسته است بدرگاه اهورا مزدا دادخواهی کنان خروش بر آورده گفت: کشور آفریدگان را به که سپردی؟ زمین روی بهویرانی نهاد و گیاهها خشکیده آنها زهر آلود شده کجاست، آن کسبیکه تو از آفریدن او خبر دادی؟ آنکسبیکه آئین رستگاری آورد. گاه علم انانی و مطالعات فرنگی

اهورا مزدا در پاسخ گفت: ای روان گاو بیمار رنج تو از اهریمن است. اگر آن مردی که از او خبر دادم امروز بود، هر آینه اهریمن چنین گستاخ نگشتی. آنگاه روان گاو بجهان ستارگان شتافت و فغان از سر گرفت. دگر باره زبان گله بگشود. پس از آن به کرۀ ماه درآمد. فریاد و ناله بر آورد. چون سودی نیافت بکرۀ خورشید روی نهاد. آنگاه اهورا مزدا فروهر زرتشت را باو نمود و گفت: من او را خواهم آفرید و بجهان خاکی خواهم فرستاد تا گفتارش مایۀ رهایی جهانیان گردد. روان گاو از دیدن فروهر زرتشت خوشنود گشته پذیرفت که همواره مایه خوراك دادن بآفریدگان باشد»

اینها که گفته شد چکیده گفته‌های نوشته‌های پهلوی است دربارهٔ گاوکارهای شگفت‌آورش پس از مرگ و گفت و گوی گله‌آمیزش با اهورا و نتیجه گرفتن از فریاد و فغانی که در آسمانها بر اه انداخته بوده است!

تا خوانندگان گرامی چگونه داوری نمایند.

یاد گرفتن اوستا آسان است

چون گاهی از برخی دوستان می‌شنیدم که در اندیشه یاد گرفتن اوستا هستند و در این باره از من پرسش میکردند و در چند روز پیش نیز همین داستان پیش آمد کرد و همین پرسش دوباره بمیان آمد، از این رو بایسته میدانم در این گفتار کمی دربارهٔ اوستا سخن بگویم و آنچه را من در این باره دانسته‌ام و در بررسی‌های خود آزمایش بدست آورده‌ام برای آگاهی اینگونه کسان پاك سرشت که میخواهند با این فرهنگ که سنال ایرانی آشنائی پیدا کنند بنگارم.

در دهه دوازده سال پیش که به بررسی در آئین و فرهنگ ایران باستان پرداختم همه ترجمه‌های بخشهای گوناگون اوستا را با ژرف نگری هر چه بیشتر هر کدام را چندین بار خواندم. باینکه از پی بردن بگفته‌های اوستا خیلی خورسند میشدم، گاهی بایک رشته دشواریهای روبرو میگشتم که مراد و دل و سرگردان میساخت. آن دشواریها این بود که در این ترجمه‌ها برخی سخنان سنگین و ناجور و خرد ناپذیر میدیدم که نمی‌توانستم آنها را بپذیرم. در برخوردی که با برخی از دوستان کنجکاو و پژوهنده میشد، میدیدم آنان نیز باین دشواری و دودلی گرفتار هستند. برای رهائی یافتن از این سرگردانی و دودلی بر این شدم که اوستا را یاد بگیرم و خودم در گفته‌های آن بررسی کنم. خواستم بدانم پایه و بنیاد گفته‌های اوستا همین هاست که در ترجمه‌ها نوشته شده و یا اینکه ترجمه کنندگان آن جوریکه باید بمعنی آن پی نبرده‌اند.

در دنباله این اندیشه و آرزو، گاهی با برخی از دوستان که از این کتاب

گرانبهای دیرین آگاهی دارند در این باره سخن میراندم و برای یاد گرفتن اوستا درخواست کمک می‌کردم. جای افسوس اینکه پاسخ نا امید کننده میشنیدم و از دشواریهایی که درباره یاد گرفتن اوستا نمایانده میشد آندوهگین می‌گشتم. پاسخ نا امید کننده این بود که زبان اوستا زبان بسیار پیچیده و دشوار است. دانشمندانی که با اوستا سروکار دارند نزدیک چهل سال در هندوستان درس اوستا خوانده و هر کدام چندین زبان میدانند، با این همه آنجوریکه باید اوستا را یاد نگرفته‌اند و بریشه و بنیاد گفته‌هایش پی نبرده‌اند.

از این پاسخها دو چار شگفت میشدم و میگفتم چگونه میشود کتابی که الفباء و نوشته و فرهنگ دارد، اینچنین دشوار باشد.

میگفتم اگر کتاب اوستا باین اندازه دشوار باشد که آدم نزدیک چهل سال یا بیشتر در یاد گرفتن آن کوشش کند و سرانجام هم آنرا خوب نفهمد بچه کار می‌آید؟ می‌گفتم کتاب اوستا مانند دیگر کتابهای دینی برای مردم است یعنی دارای دستور هائی است که راهنمای زندگی مردم میباشد. بنابراین باید مردم تا اندازه‌ئی آنرا بفهمند و از روی دانستن و فهمیدن بپذیرند. اگر نفهمند چگونه میشود بآن بگردند: چگونه میشود کسانی بنام اوستا شناسی چیزهائی بنویسند و دیگران کور کورانه آنرا بپذیرند.

اگر مردم نتوانند اوستا را بفهمند از کجا باید بدانند هر چه را که ترجمه کنند گان نوشته‌اند درست است و هیچگونه لغزش ندارد. کسیکه کتاب میخواند باید تا اندازه‌ئی با گفته‌های آن آشنائی داشته باشد تا درست را از نادرست باز شناسد و با خرد و دانش خود درباره آن داوری نماید. اگر جز این باشد کتاب خواندن سود ندارد. کور کورانه دنبال گفته‌های دیگران رفتن و بی چون و چرا آنها را پذیرفتن نتیجه ندارد. مگر کتاب نویس دچار لغزش نمیشود؟ مگر کسیکه اوستا را ترجمه میکند از لغزش بر کنار میباشد؟

سخن کوتاه اینکه پاسخهای نا امیدکننده را در باره دشوار بودن اوستا بپذیریم و برای یاد گرفتن آن پا فشاری میکردم . سر انجام با نیروی استوار آماده این کار شدم و در نزد دانشمند گرامی موبد رستم شهزادی بفرما گرفتن آن سرگرم شدم . چندی بدینسان گذشت و تا اندازه‌ئی روبراه شدم و پس از آن فرهنگ اوستا را بدست آورده و هریک از واژه‌ها و ریشه آنها را پیدا کردم و ترجمه آنها را بدست آوردم . پس از پیمودن این راهها دریافتم که اوستا آنچنانکه وانمود میکردند دشوار نیست بلکه کتابی است تا اندازه‌ئی ساده و آسان . همینکه چندی بررسی کردم و از راههای ساده و آسانی به چگونگی گفته‌های آن پی بردم آماده شدم که برخی از بخشهای اوستا را ترجمه کنم و گزارشهایی باروش امروزی که با سنجش خردودانش جور و سازگار باشد بر آن بنویسم . در دنبال این اندیشه و آماده گی بخش یکم بررسی یسنا را که در ترجمه و گزارش هشت هات نخست (هشت فصل نخست) یسنا میباشد نوشتم و بچاپ رساندم . خوشبختانه خیلی بیش از اینکه خودم امید داشته باشم پسند دانشمندان ارجمند افتاد و نزدیک سی (۳۰) آفرینباد در روزنامه‌ها و مجله‌ها بر آن نوشتند و کتابهای چاپ شده نیز در اندک زمانی بفروش رسید و سپاس خدارا که نتیجه رنج و کوششم بایر روزی و گامیابی همراه شد و مایه خورسندی و امیدواری گردید .

من نمیخواهم بگویم در این اندک زمان اوستا را بخوبی یاد گرفته‌ام و کتابی را که نوشته‌ام آنجور که شاید و باید درست و سودمند است و هیچگونه لغزش ندارد . خیر چنین نیست . هرگز این پندار را در مغز خود راه نمیدهم و هیچکس هم نباید درباره خود چنین بیندیشد ولی با گفتن و نوشتن سر گذشت خود میخواهم برسانم کتاب اوستا بآن اندازه‌ها سخت و پیچیده نیست که آدم نتواند باین آسانی یاد بگیرد بلکه خیلی ساده و آسان است و آدم باهوش و کوشا در یک سال میتواند بآن آشنائی پیدا کند و از راه فرهنگ اوستا ترجمه هریک از واژه‌ها را بدست آورد و از معنی

آنها نتیجه بگیرد و به بیخ و به بنیاد گفته‌های اوستا پی ببرد.

یکی از خوبیهای کتاب اوستا همین آسانی و سادگی است و هر آدم با هوش و زرنگ هنگامی که معنی واژه‌ها را از روی فرهنگ اوستا بدست آورد و آنها را با هم جور کند، بزودی و آسانی میتواند نتیجه بگیرد و چگونگی دستورهایش را دریابد. خوانندگان گرامی آگاهی دارند از اینکه امروز دانش اوستا شناسی گسترش پیدا کرده و بسیاری از دانشمندان کم و بیش از آن بهره‌مند میباشند چنین نیست که دانستن آن به برخی از دانشمندان ویژه‌گی داشته باشد و دیگران از آن بی‌بهره باشند و نتوانند در باره آن داوری نمایند.

امروز هم در کشور ایران چندتن اوستا شناس داریم مانند آقایان پورداود و دکتر محمد مقدم و آقایان موبدرستم شهزادی و فیروز آذر گشسب و دکتر آبادیان. این آقایان را من می‌شناسم. شاید کسان دیگر هم باشند که من از آنها آگاهی ندارم در میان زرتشتیان هم کسانی هستند که کم و بیش اوستا میدانند.

در پایان گفتار بار دیگر آسان بودن اوستا را به کسانی که در اندیشه فرا گرفتن آن هستند یاد آور میشوم و از خدا میخواهم که اینگونه دانش پژوهان در این راه گام بردارند و از این دانش باستانی که بنیادنامه فرهنگی ایران است و بازبان فارسی و بیشتر گویشهای (لهجه‌های) گوناگون مردم ایران بستگی و نزدیکی دارد برخوردار شوند و در راه آشکار ساختن و نمایاندن آن پیروز و کامیاب شوند. بلی. گاهی آدم در کتاب اوستا بادشواریهائی روبرو میشود ولی باید دانست اینگونه دشواریها در همه کتابهای دینی هست.

گذشته از کتابهای دینی در چامه‌های فارسی هم از اینجور دشواریها می‌بینیم بنابراین نباید از اینگونه دشواریها بهراسیم و بادیدن چند تیکه دشوار و پیچیده از فرا گرفتن آن دست برداریم.